

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۷۹-۱۰۸

## شناسایی علل و عوامل تله محرومیت در جوامع روستایی استان ایلام: مطالعه موردی مناطق برنج کاری شهرستان شیروان و چرداول

علیرضا جمشیدی و سید احمد خاتون آبادی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۲/۲

### چکیده

پژوهش میدانی حاضر از نوع پیمایشی بوده و اطلاعات آن از طریق انجام مصاحبه‌های حضوری و با استفاده از پرسشنامه در سال زراعی ۱۳۸۷-۸۸ به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده ۲۵۵۰ خانوار برنج کار شهرستان شیروان و چرداول است که به صورت تخصصی به کاشت برنج اشتغال دارند؛ و از آن میان، ۸۲ خانوار به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب می‌شوند. برای تحلیل داده‌های آماری، از ضریب همبستگی و تحلیل مسیر بهره‌گیری می‌شود. دستاوردهای پژوهش بیانگر این واقعیت است که دو مفهوم «بی‌قدرتی» و «فقر»، از پنج مفهوم موجود در مدل تله محرومیت در جامعه مورد مطالعه، بیشترین تأثیر را بر مدل مورد مطالعه دارند که به ترتیب، ۶۹ و ۶۲ درصد واریانس عوامل تعیین‌کننده تله محرومیت در منطقه را تبیین می‌کنند. بنابراین، وجود این دو مفهوم در منطقه مورد مطالعه تأیید می‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که سطح تحصیلات، با ضریب همبستگی ۰/۲۵۸- و ۰/۳۵۴-، به ترتیب، با مفهوم فقر و بی‌قدرتی رابطه منفی و معنی‌دار دارد؛ و البته وجود تله محرومیت به معنی واقعی تأیید نمی‌شود.

\* به ترتیب، نویسنده مسئول و کارشناس ارشد توسعه روستایی از دانشگاه صنعتی اصفهان (alireza472003@yahoo.com)؛ و عضو هیئت علمی گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان.

کلیدواژه‌ها: تله محرومیت / آسیب‌پذیری / فقر روستایی / شیروان و چرداول (شهرستان).

\* \* \*

## مقدمه

فقر، محرومیت و چگونگی برخورد دولت‌ها با این مشکل در بیشتر کشورها از مسائل و مشکلات مهم برای دولت‌ها و به‌ویژه برنامه‌ریزان به‌شمار می‌رود. در این میان، فقر در جوامع روستایی از چالش‌هایی مهم برشمرده می‌شود که ذهن بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی را به خود معطوف کرده است.

با بررسی خانوارهای فقیر و محیط اطراف آنها، می‌توان مشاهده کرد که مجموعه‌ای از عوامل فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، انزوا و بی‌قدرتی به هم گره خورده‌اند. این پدیده با عنوان دور باطل فقر، بیماری فقر، تله محرومیت و نیز تله فقر توصیف می‌شود (چمبرز، ۱۳۷۷). تله محرومیت دربرگیرنده موارد زیر است:

۱- فقر خانوار روستایی: خانوارهای روستایی معمولاً زمین اجاره‌ای و یا سهم‌بری در اختیار دارند و برای تأمین نهاده‌ها، وسایل مورد نیاز کشاورزی و اخذ وام به همسایگان، خویشاوندان و دولت وابسته‌اند. پاره‌ای از عوامل فقر شامل تولید کم، قیمت نازل نیروی کار و محصولات تولیدی فقرا، قدرت ذخیره‌سازی ناچیز، و بیکاری است (زاهدی عبقری، ۱۳۷۵؛ چمبرز، ۱۳۷۷)؛

۲- ضعف جسمانی اعضای خانوار: تعداد زیادی از افراد به بزرگسالان برخوردار از سلامت جسمی وابسته‌اند. روند وابستگی افراد از کارافتاده و بیمار به‌مراتب بیش از سایر گروه‌های فرعی است. به علاوه، بزرگسالان به‌طور فصلی و یا مداوم از نظر وقت و انرژی کار در مضیقه‌اند (چمبرز، ۱۳۷۷)؛

۳- انزوای خانوار: خانوار نسبت به دنیای خارج بیگانه است؛ از شهر دور افتاده و ارتباطات با مرکز بسیار کم و در پیرامون قرار گرفته است؛ و در این خانوارها، سطح تحصیلات کم، میزان شرکت در جلسات عمومی در سطح بسیار پایین، مسافرت بسیار محدود، و وابستگی به محل خود بسیار زیاد است (چمبرز، ۱۳۷۷)؛

۴- آسیب پذیری خانوار: نیازهای کوچک با ذخیره ناچیز نقدی خانوار، تقلیل مصرف، معاوضه، استقراض از دوستان، بستگان و بخش خصوصی برطرف می شود. در فصل زمستان، زمانی که بیماری و کار کشاورزی با یکدیگر مترادف می شوند و به هنگام عدم بارندگی در فصول کشاورزی، آسیب پذیری به حد اعلا می رسد؛ و بدین ترتیب، خانوار مستعد بیماری و مرگ و میر می شود (چمبرز، ۱۳۷۷). آسیب پذیری کمبود واقعی نیست، بلکه کمبود زمان مخاطره است (Chambers, 1989).

با توجه به اینکه اساساً منبع درآمد تابع شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی است، به نوعی می توان ساختار اقتصاد معیشتی را نتیجه جبر شرایط خاص اقلیمی دانست، در حالی که پایه اقتصاد روستا بر کشاورزی و دامداری قرار دارد. با توجه مطالب گفته شده، پایه اقتصاد روستایی تابع قانون مندی های زیستی و بوم شناختی است. بنابراین، درآمد روستاییان بیشتر دستخوش تغییر می شود و در پی آن، درجه آسیب پذیری روستاییان (به ویژه گروه های کم درآمد روستا) نیز بالا می رود (خاتون آبادی، ۱۳۸۴؛ بکه و همکاران، ۱۳۸۰؛ Dixon, 1990).

۵- بی قدرتی خانوار: عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، و عدم توان رقابت با دیگران برای اشتغال و خدمات در شرایط یکسان سبب می شود که خانوار به راحتی قربانی غارتگری های قدرت مندان شود. بدین ترتیب، موقعیت پایین طی نسل ها بدین خانوارها به ارث می رسد. همچنین، این خانوارها برای استفاده از نیروی کار خود و یا برای فروش محصولات خود از قدرت چانه زنی پایین برخوردارند (چمبرز، ۱۳۷۷).

بررسی وضعیت فقر در جوامع روستایی را می توان از اجتماعات و یا از افراد آنها شروع کرد. به طور کلی، می توان جمعیت فقیر روستا را به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول شامل اجتماعاتی است که به دلیل دورافتادگی و منابع ناکافی، فقر سراسر آنها را فرا گرفته است؛ دسته دوم شامل اجتماعاتی است که در درون آنها، بین فقر و غنا فاصله چشمگیر وجود دارد. این دسته خانواده هایی را دربرمی گیرد که با وجود داشتن

واحدهای اقتصادی مشترک، به‌گونه‌ای فزاینده از نظر تولید، کسب درآمد و مصرف مشترک از یکدیگر متمایزند (چمبرز، ۱۳۷۷). اگر عوامل اقتصادی را شاخص اصلی فقر و آسیب‌پذیری تلقی کنیم، می‌توان گفت که از عوامل اصلی پدید آمدن فقر بهره‌وری نامناسب و پایین عوامل تولید است. بهره‌وری پایین عوامل تولید کشاورزی مشکلاتی برای تولیدکنندگان در بر خواهد داشت، که از آن جمله می‌توان به «کاهش انگیزه تولید، کاهش سودآوری و در نهایت، فرار سرمایه از بخش تولید به‌سوی تجارت اشاره کرد» (صداقت، ۱۳۸۱). بنابراین، با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی در به‌وجود آمدن فقر و عقب‌ماندگی روستاها، می‌توان آن دسته از اقشار روستایی را که در تأمین حداقل نیاز و بهره‌گیری از خدمات زیربنایی عمومی و رفاهی ناتوانند، جزو اقشار آسیب‌پذیر یا فقیر جامعه روستایی قلمداد کرد (ازکیا، ۱۳۸۱). در سطح ملی، کلیه گروه‌ها و اقشاری را که در نزدیکی خط فقر قرار دارند، جزو گروه‌های آسیب‌پذیر قلمداد می‌کنند. در روستا به علت شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی خاص، نوع معیشت و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، آسیب‌پذیری حیطة‌ای گسترده‌تر را دربرمی‌گیرد. در صورتی که اقشار آسیب‌پذیر جامعه مورد حمایت دولت (بخش عمومی) قرار نگیرند، به سمت فقر بیشتر و اسارت در تله محرومیت رانده می‌شوند.

از مشکلات رویاروی برنج‌کاران شهرستان شیروان و چرداول، به‌ویژه در سال‌های اخیر، افزایش هزینه‌های تولید و افزایش نیافتن قیمت برنج متناسب با آن بوده است، در حالی که بهره‌وری عوامل تولید و به‌طور مشخص، عملکرد محصول در واحد سطح تقریباً ثابت مانده است. پیامد این مسئله کاهش انگیزه برنج‌کاران، کاهش سودآوری تولید برنج در منطقه و همچنین، کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش مکانیزاسیون است. با توجه به درآمد حاصل‌شده از تولید برنج در حال حاضر و جمعیت زیاد آن دسته از کشاورزان منطقه که به کاشت این محصول روی آورده‌اند، لازم است برای خارج شدن مناطق برنج‌کاری از وضعیت نامساعد موجود و سوق دادن آنها به سمت پویایی اقتصاد، سیاست‌هایی در راستای افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه تولید، اصلاح نظام بازار و اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصول اتخاذ شود. هدف کلی

پژوهش حاضر بررسی ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فقر و بررسی عوامل زیان‌آور و نامطلوبی است که به یکدیگر گره خورده و عامل ایجاد تله محرومیت در جامعه مورد مطالعه‌اند؛ و در نهایت، راهکارهایی مناسب نیز در این زمینه ارائه می‌شود. رویکردی که در این قسمت، مطرح می‌شود و بر اساس فضای مفهومی تله محرومیت چمبرز (۱۳۷۷)، تجزیه و تحلیل شده، عبارت است از بررسی و شناسایی دسته‌ای از مسائل و مشکلات خانوارهای روستایی، تفکیک آنها از یکدیگر و توجه به آنکه آیا این مسائل با هم مرتبط‌اند و اگر چنین است، ارتباط آنها چگونه است.

### پیشینه تحقیق

از آنجا که جامعه روستایی مورد مطالعه در پژوهش حاضر از دیرباز به عنوان یکی از مناطق محروم شناخته شده، تاکنون مطالعه‌ای جامع در زمینه مفاهیم موجود در مدل تله محرومیت در مناطق روستایی و به‌ویژه وجود فقر روستایی در منطقه مورد مطالعه انجام نشده است؛ بنابراین، انجام پژوهشی در زمینه شناخت دقیق و علمی مسئله تله فقر و عوامل مؤثر بر آن گام نخست و ضروری برای تنظیم برنامه‌های کارآمدتر توسعه روستایی و بهبود وضعیت زندگی روستاییان در منطقه مورد مطالعه خواهد بود. از آنجا که مطالعه‌ای با عنوان «تله فقر در مناطق روستایی» انجام نشده، در ادامه، به بررسی مطالعات انجام‌شده در مورد بعضی از مفاهیم موجود در تله فقر پرداخته شده است.

ازکیا (۱۳۸۱)، در مطالعه‌ای زیر عنوان «فقر، آسیب‌پذیری و توسعه در منطقه روستایی گرمسار»، نشان داد که عامل آسیب‌پذیری باعث سقوط روستاییان به ورطه فقر می‌شود؛ و سایر عوامل قابل ذکر عبارت‌اند از: کهنسالی، میزان وابستگی بالا، بیکاری، شغل نامناسب و فصلی، و بی‌سوادی. یزدان‌پناه (۱۳۸۷)، در مطالعه خود زیر عنوان «موانع مشارکت اجتماعی» نشان داد که هرچه میزان بی‌قدرتی و بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی یعنی، مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و هدف‌مند افراد در جامعه کمتر می‌شود؛ و همچنین، موانع اقتصادی و اجتماعی و نیز

ارزیابی این موانع از سوی افراد بر میزان مشارکت اجتماعی آنها اثرگذار است. وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳)، در مطالعه خود با عنوان «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران» که در روستاهای حومه شهرستان بوشهر انجام گرفت، نشان دادند که مشارکت سیاسی غیررسمی همراه با افزایش سطح تحصیلات، ارتباط با شهر و استفاده از رسانه‌های گروهی افزایش یافته اما مشارکت سیاسی رسمی تنها در سطح متوسط «ارتباط با شهر» و «تحصیلات ابتدایی» بیشتر شده و پس از آن، رو به کاهش داشته است؛ همچنین، مشارکت رسمی دارای همبستگی مثبت بالا با اعتماد به دولت بوده است.

نتایج مطالعه ترکمانی و جمالی مقدم (۱۳۸۴)، زیر عنوان «اثر مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی ایران»، نشان داد که سرمایه‌گذاری در توسعه و عمران روستایی، جاده‌سازی، تحقیق و ترویج کشاورزی، و آبیاری بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی دارد. همچنین، مطالعه یقه و همکاران (۱۳۸۰) زیر عنوان «تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله» نشان داد که عوامل عمده فقر روستاییان عبارت‌اند از اقتصاد کشاورزی، عوامل شغلی، روابط اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی؛ از دیگر عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در ایجاد فقر در کنار نابرابری‌های اقتصادی و توزیع غیرعادلانه منابع و درآمدها، می‌توان به فقدان سطح آگاهی در میان گروه‌های آسیب‌پذیر اشاره کرد. در دوران پس از جنگ دوم جهانی، بسیاری از نظریه‌پردازان مانند فریر (Freire, 1970)، کید (Kidd, 1979) و کولب (Kolb, 1984) به نقش آموزش در افزایش آگاهی عمومی جامعه و کاهش فقر تأکید کرده‌اند. بدیهی است که کارکرد آموزش در راستای فقرزدایی در دیدگاه نظریه‌پردازان متعدد دارای تفاوت‌هایی است؛ برای نمونه، فریر (Freire, 1970) آموزش را وسیله‌ای برای توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر دانسته که از این رهگذر، هویت از دست رفته خود را بازیافته، به ایقای نقش فاعلی خود در زندگی بپردازند، حال آنکه کولب (Kolb, 1984) مبنای آگاهی را در افزایش مهارت‌های عملی انسان یا فراگیر معرفی می‌کند.

فن و همکاران (Fan et al., 2000)، در مطالعه‌ای به منظور بررسی نقش مخارج دولت در رشد کشاورزی و کاهش فقر در هند، با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳، به تخمین یک نظام معادلات همزمان پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که سرمایه‌گذاری بیشتر در امور جاده‌سازی دارای بیشترین تأثیر بر کاهش فقر روستایی است. همچنین، افزایش میزان مخارج دولت در امر تحقیقات و ترویج کشاورزی نیز موجب کاهش فقر روستایی می‌شود. در مطالعه‌ای دیگر، فن و همکاران (Fan et al., 2003) اثرات انواع مختلف سرمایه‌گذاری‌های دولت بر رشد کشاورزی و فقر روستایی را در مناطق روستایی تایلند بررسی کردند. نتایج بررسی آنها نشان داد که سرمایه‌گذاری‌های دولتی در تحقیق و توسعه کشاورزی، آبیاری، آموزش روستایی و زیرساخت‌ها (جاده‌سازی و برق‌رسانی)، تأثیراتی چشمگیر بر کاهش فقر روستایی داشته است. نتایج مطالعه جین و همکاران (Jin et al., 2001) و انجو و فاکس (Njue and Fox, 1993) نشان داد که بین افزایش بهره‌وری کشاورزان و میزان استفاده از کلاس‌های ترویجی و آموزشی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد.

اشترن<sup>(۱)</sup>، پالمر<sup>(۲)</sup> و گایل<sup>(۳)</sup>، در کتاب خود با عنوان «نگرش جدید به علم سیاست»، نتیجه می‌گیرند که «جوامع بدوی و روستایی هر دو اساساً بر مبنای خطوط خویشاوندی سازمان می‌یابند و فاقد هرگونه وفاداری به ساخت‌های غیرخویشاوندی نظیر کشور هستند و به جای وابستگی به خلاقیت و نوآوری و آمادگی برای قبول شیوه‌های نوین، به سنت‌های گذشته به عنوان راه حل مشکلات خود می‌نگرند» (وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۳).

زاهدی مازندرانی (۱۳۸۴) نشان داد که توان پس‌انداز بیش از ۵۹ درصد خانوارهای روستایی نه تنها مثبت نیست، بلکه منفی است. منفی بودن توان پس‌انداز نشان‌دهنده نبود تعادل میان هزینه و درآمد در سطح متوسط در روستاها یا برتری هزینه‌های خانوار بر میزان درآمد خانوار است. طبیعتاً در چنین شرایطی سازوکار استقراض می‌تواند شرایط بقای خانوار را فراهم کند. منفی بودن توان پس‌انداز را باید به معنی وجود تله فقر و محرومیت در نقاط روستایی تلقی کرد. مطالعات کاوندیش (Cavendish, 1999) در

آفریقا حاکی از آن است که منابع زیست‌محیطی سهمی عمده از درآمد خانوارهای فقیر روستایی را تشکیل می‌دهد و تقریباً ۳۵ درصد درآمد خانوارها بدین منابع متکی است. وی، همچنین، دریافت که بین سهم درآمد خانواده از منابع زیست‌محیطی و کل درآمد خانوار رابطه منفی وجود دارد، به طوری که فقرا بیش از ثروتمندان بدین منابع وابسته‌اند؛ علاوه بر این، متوجه شد که متغیرهای اجتماعی-اقتصادی نظیر جنسیت، سن و ترکیب خانوار بر استفاده از منابع زیست‌محیطی اثر می‌گذارند. مطالعه خاندلهلا و می (Khandlhela and May, 2006) در آفریقای جنوبی، زیر عنوان «فقر، آسیب‌پذیری و اثرات سیل» نشان داد که شرایط اقتصادی-اجتماعی تعیین‌کننده‌های اصلی آسیب‌پذیری به‌شمار می‌روند و همچنین، مدیریت برخورد با حوادث تعیین‌کننده مدت‌زمان آسیب‌پذیری در یک منطقه است.

مطالعه مک‌کولوچ و کالاندرینو (McCulloch and Calandrino, 2003) با عنوان «آسیب‌پذیری و فقر مزمن در روستای سیچوان» نشان داد که پایین بودن میانگین مصرف عامل اصلی تعیین‌کننده فقر مزمن در منطقه است؛ و خانوارهایی که متوسط مصرف آنها پایین است، آسیب‌پذیری بالا داشته و در تله فقر افتاده‌اند. نتایج دیگر این مطالعه نشان داد که اندازه خانوار با آسیب‌پذیری رابطه معنی‌دار و مثبت و مقدار دارایی (سرمایه) خانوار با آسیب‌پذیری رابطه معنی‌دار و منفی دارد.

## مواد و روش‌ها

### قلمرو مکانی پژوهش

شهرستان شیروان و چرداول یکی از شهرستان‌های استان ایلام است و چهار بخش، هشت دهستان و ۲۰۶ آبادی دارای سکنه و ۷۱ آبادی خالی از سکنه دارد. سطح زیر کشت برنج ۳۲۲۹۱ هکتار و میزان تولید برنج در استان ایلام ۱۲۹۳۱ تن در سال است. از کل اراضی قابل کاشت برنج در استان ایلام، ۲۳۶۱ هکتار در شهرستان شیروان و چرداول بوده و در این شهرستان، ۹۸۷۸ تن در سال یعنی، حدود ۷۷ درصد از برنج استان تولید می‌شود.



## اهداف پژوهش

### هدف کلی

شناسایی علل و عوامل تله محرومیت در جوامع روستایی استان ایلام.

### اهداف جزئی

- ۱- بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های فردی بهره‌برداران با مفاهیم موجود در تله محرومیت؛
- ۲- بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های زراعی بهره‌برداران با مفاهیم موجود در تله محرومیت؛ و
- ۳- بررسی ارتباط بین مفاهیم موجود در تله فقر در منطقه مورد مطالعه.

### نمونه‌گیری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه آن دسته از خانوارهای روستایی برنج‌کار شهرستان شیروان و چرداول است که در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷ به صورت تخصصی به کاشت برنج مشغول بوده‌اند ( $N=2550$ ). با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای، در مرحله اول، از چهار دهستان که در آنها برنج کاشت می‌شود، دو دهستان و در مرحله دوم، از روستاهای این دو دهستان نیز شش روستا به عنوان خوشه انتخاب شدند؛ سپس، از این روستاها، براساس نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۸۲ خانوار برنج‌کار به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت. حجم نمونه براساس فرمول کوکران (Cochran, 1976) و با دقت  $d=0.07$  (به دلیل محدودیت‌های مالی و زمانی تحقیق) انتخاب شد. روش و فن مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات تهیه و تکمیل پرسشنامه بود که پس از تدوین، براساس متغیرهای مورد نظر، نسبت به توزیع آنها در جامعه آماری اقدام شد.

### شاخص‌سازی مفاهیم تحقیق

برای برگرداندن یک واژه از شکل عام به شکل خاص و قابل مشاهده و مطالعه علمی، اصولاً از تعاریف عملیاتی<sup>(۴)</sup> و یا جریان عملیاتی‌سازی<sup>(۵)</sup> واژه استفاده می‌شود، که البته

مبنای سنجش مفاهیم مورد نظر در پژوهش حاضر نیز شاخص‌سازی است. شاخص‌ها انواع گوناگون دارند و مهم‌ترین آنها شاخص‌های همبسته است که به وسیله مجموعه‌ای از شاخص‌ها، واژه مورد نظر اندازه‌گیری می‌شود. شرط لازم برای این منظور عبارت است از آنکه ارتباط و همبستگی بین آنها به‌طور تجربی و از طریق آزمون‌های آماری به اثبات برسد. این عمل اصولاً از طریق روش آماری تحلیل عاملی صورت می‌گیرد (کیم و مولر، ۱۳۷۸). با توجه به مطالب گفته‌شده، در مرحله نخست، با ارائه یک تعریف عملیاتی از مفهوم تله محرومت بر اساس دیدگاه نظری چمبرز، شاخص‌های اصلی تعیین وضعیت تله محرومیت در منطقه انتخاب شدند. شاخص‌های اصلی عبارت‌اند از: ۱- فقر، ۲- بی‌قدرتی، ۳- ضعف جسمانی، ۴- آسیب‌پذیری، و ۵- انزوا. مراحل اصلی شاخص‌سازی و شاخص‌های درجه یک و درجه دو با جزئیات بیشتر در جدول ۱ آمده است. روش شاخص‌سازی تحقیق حاضر مبتنی بر تحلیل‌های آماری نظیر رگرسیون چندمتغیره و تحلیل عاملی بوده و در کنار آن به‌صورت مقایسه و تکمیل، از روش تحلیل خوشه‌ای نیز برای دسته‌بندی و اولویت‌بندی برخی از عوامل دخیل در شاخص‌سازی از نظر پاسخ‌گویان استفاده شده است.

#### شیوه وزن‌دهی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دستگاه شاخص

برای به‌دست آوردن متغیرهای اصلی پژوهش، نخست، برای هر سؤال یک وزن در نظر گرفته شد که با یک ترکیب خطی از این سؤالات وزن‌دهی شده شاخص اصلی مورد نظر اندازه‌گیری شد (تحلیل عاملی).

در تحقیقات مقدماتی برای تعیین میزان تناسب و میزان اعتماد گویه‌ها، پرسشنامه‌های اولیه در اختیار بیست بهره‌بردار قرار داده شد. برای تعیین میزان تناسب مجموعه متغیرها در ماتریس همبستگی در تحلیل عاملی، از آماره KMO<sup>(۶)</sup> و برای سنجش میزان اعتماد ابزار اندازه‌گیری، از روش آلفای کرونباخ که مبتنی بر ماتریس همبستگی گویه‌هاست و ضریب کل طیف را می‌سنجد، استفاده شده است (کلانتری، ۱۳۸۷).

جدول ۱- شاخص‌های درجه یک و درجه دو مفاهیم پنج‌گانه تله محرومیت

بی قدرتی	انزوا	آسیب پذیری	ضعف جسمانی	فقر
۱- طبقه سیاسی اجتماعی کشاورز: (طبقه اجتماعی، طبقه سیاسی فرهنگی)	۱- فقدان آموزش ۲- دورافتادگی و خارج از دسترس: (فاصله تا مرکز استان، فاصله تا مرکز شهرستان فاصله تا نزدیک‌ترین شهر، فاصله از مرکز اعتبارات:	۱- در حاشیه بودن: (فاصله از نزدیک‌ترین مرکز سرویس دهی، فاصله از مرکز خدمات) ۲- آفت زدگی زیاد محصولات: (نوع محصول، نوع آفت، میزان خسارت، میزان تولید مورد انتظار، میزان تولید فعلی) ۳- تجهیزات مورد استفاده در تولید محصولات کشاورزی ۴- منابع دولتی مورد استفاده: (وام، نهاده‌های یارانه‌ای، استفاده از کلاس‌های آموزشی)	۱- فاصله تا مراکز بهداشت: ۲- ناتوانی در دستیابی به خدمات بهداشتی: (فاصله زیاد تا مراکز بهداشتی، نبود مرکز بهداشت در منطقه، بالا بودن هزینه خدمات بهداشتی) ۳- بهره‌وری: (میزان نهاده مصرفی، نیروی کار، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های تولید، هزینه‌های فراوری، سطح زیر کشت)	۱- تولید محصول: (نهاد مصرفی، میزان برداشت محصول در هکتار، میزان محصول اضافی برداشت شده) ۲- درآمد: (مالک بودن زمین، نوع محصول تولید شده، نوع نهاده کشاورزی بکار رفته، نوع منابع اعتباری، درآمدهای جانبی، تولید)
۲- دشواری در کسب وام و اعتبارات:	۳- سطح سواد ۴- دشواری در کسب وام ۵- فقدان تماس با رهبران سیاسی: (تماس با فرماندار در سال، تماس با نماینده مجلس شورای اسلامی در سال)	میزان تولید مورد انتظار، میزان تولید فعلی	بهداشت در منطقه، خدمات بهداشتی)	۲- درآمد: (مالک بودن زمین، نوع محصول تولید شده، نوع نهاده کشاورزی بکار رفته، نوع منابع اعتباری، درآمدهای جانبی، تولید)
۳- پایین بودن قدرت چانه زنی: (در واقع اضطراری برای فروش، نداشتن طبقه اجتماعی مشخص، انسجام نداشتن طبقه فقیر)	۳- سطح سواد ۴- دشواری در کسب وام ۵- فقدان تماس با رهبران سیاسی: (تماس با فرماندار در سال، تماس با نماینده مجلس شورای اسلامی در سال)	۳- تجهیزات مورد استفاده در تولید محصولات کشاورزی ۴- منابع دولتی مورد استفاده: (وام، نهاده‌های یارانه‌ای، استفاده از کلاس‌های آموزشی)	بهداشت در منطقه، خدمات بهداشتی)	۲- درآمد: (مالک بودن زمین، نوع محصول تولید شده، نوع نهاده کشاورزی بکار رفته، نوع منابع اعتباری، درآمدهای جانبی، تولید)

منبع: نگارندگان

جدول ۲- آزمون روایی و پایایی مفاهیم

مفاهیم ضرایب	فقر	آسیب پذیری	انزوا	ضعف جسمانی	بی قدرتی
$\alpha$	۰/۷۵	۰/۷۷	۰/۸۰	۰/۷۸	۰/۷۲
KMO	۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۷۵	۰/۶۸	۰/۶۷

منبع: یافته‌های تحقیق

ضرایب روایی و پایایی کل طیف به‌دست آمده برای هر کدام از مفاهیم در جدول ۲ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ضرایب در حدی بالاست که این موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر و تأییدکننده تناسب مجموعه متغیرها در ماتریس همبستگی در تحلیل عاملی است. بدین ترتیب، می‌توان مدعی شد که پژوهش انجام‌شده قابلیت اعتماد و اعتبار لازم را داراست. در پژوهش حاضر، برای محاسبه تله محرومیت، از روش‌های تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل مسیر از جمله روش‌های چندمتغیره است که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیرمستقیم این متغیرها را نیز مد نظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۷).

## نتایج و بحث

### ویژگی‌های عمومی بهره‌برداران

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین سن افراد مورد بررسی ۵۶/۵ سال بود. ۴۱ درصد بهره‌برداران نمونه بی‌سوادند و سابقه برنج‌کاری در میان نمونه مورد بررسی بین سه تا پنجاه سال است؛ همچنین، میانگین سابقه برنج‌کاری در نمونه مورد بررسی ۲۱ سال است. در مورد ۳۶ درصد بهره‌برداران نمونه، وسعت کل اراضی (آبی و دیم) کمتر از پنج هکتار و در نمونه مورد بررسی، ۵۴ درصد اراضی کمتر از دو هکتار و میانگین سطح زیر کشت برنج ۳/۴ هکتار بوده که نشان‌دهنده خرد بودن اراضی در منطقه است.

در جامعه آماری مورد بررسی، ۵۰/۴۲ درصد اراضی زیر کشت برنج با آب رودخانه آبیاری می‌شود؛ همچنین، نظام بهره‌برداری غالب در این منطقه از نوع ملکی (۴۵/۳۷ درصد) است. میانگین اعضای خانوار در نمونه مورد بررسی نیز شش نفر است.

جدول ۳- ویژگی عمومی بهره‌برداران

متغیر	فراوانی	درصد	میانگین	کمترین	بیشترین
سن			۵۶/۵	۲۳	۸۰
سطح سواد			-	-	-
بیسواد	۴۰	۴۱/۱۷			
خواندن و نوشتن	۱۹	۲۱/۸۴			
ابتدائی	۳	۸/۴			
راهنمایی	۹	۱۳/۴۴			
دیپلم	۱۱	۱۵/۱۲			
سابقه برنج کاری			۲۱	۳	۵۰
وسعت اراضی			۸/۳	۰/۵	۳۵
کمتر از ۵ هکتار	۳۵	۳۶/۱۳			
۶-۱۰	۱۹	۲۲/۶۸			
۱۱-۱۵	۱۱	۱۵/۱۲			
۱۶-۲۰	۹	۱۳/۴۴			
بیشتر از ۲۰ هکتار	۸	۱۲/۶۰			
سطح زیر کشت برنج			۳/۴	۰/۵	۲۵
کمتر از ۲ هکتار	۵۱	۵۳/۷۹			
۲-۵	۱۶	۲۳/۵۲			
بیشتر از ۵ هکتار	۱۵	۲۲/۶۸			
تعداد اعضای خانوار	-	-	۶	۰*	۱۴

\* خانوار از یک نفر تشکیل شده است (مجرد)

منبع: یافته‌های تحقیق

### تحلیل همبستگی

در پژوهش حاضر، ضرایب همبستگی تمامی متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته (فقر، آسیب‌پذیری، انزوا، بی‌قدرتی، و ضعف جسمانی) محاسبه شده و میزان معنی‌داری ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل مشخص شده است.

جدول ۴- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل با مفاهیم وابسته

ضریب کندال	آزمون اسپیرمن	آزمون پیرسون	معنی داری	
		-۰/۰۸۳	۰/۵۳۱	سن و فقر
		-۰/۱۶	۰/۹۰۳	سنو انزوا
		-۰/۰۶۶	۰/۶۱۹	سن و ضعف جسمانی
		-۰/۲۲۷	۰/۰۸۳	سن و آسیب پذیری
		-۰/۰۳۰	۰/۸۲۴	سن و بی قدرتی
		-۰/۱۶۲	۰/۲۲	سابقه کشاورزی و فقر
		۰/۰۷۹	۰/۵۵۲	سابقه کشاورزی و انزوا
		۰/۱۶۸	۰/۲۰۴	سابقه کشاورزی و ضعف جسمانی
		-۰/۱۵۱	۰/۲۵۴	سابقه کشاورزی و آسیب پذیری
		۰/۱۳۳	۰/۳۱۶	سابقه کشاورزی و بی قدرتی
		-۰/۰۴۸	۰/۷۱۷	سابقه برنج کاری و فقر
		۰/۱۰۳	۰/۴۳۶	سابقه برنج کاری و انزوا
		۰/۳۶۵*	۰/۰۰۴	سابقه برنج کاری و ضعف جسمانی
		۰/۰۵۱	۰/۷۰۱	سابقه برنج کاری و آسیب پذیری
		۰/۲۸۷*	۰/۰۱۵	سابقه برنج کاری و بی قدرتی
-	-	-۰/۰۸۶	۰/۹۱۷	اندازه خانوار و فقر
-	-	-۰/۰۳۹	۰/۵۴۹	اندازه خانوار و انزوا
-	-	۰/۰۹۰	۰/۵۶۶	اندازه خانوار و ضعف جسمانی
-	-	۰/۰۱۱	۰/۷۴۱	اندازه خانوار و آسیب پذیری
-	-	۰/۱۲۵	۰/۲۷۴	اندازه خانوار و بی قدرتی
-۰/۲۰۱*	-۰/۲۵۸*	-	۰/۰۴۹	سطح تحصیلات و فقر
۰/۱۷۶	۰/۲۲۱	-	۰/۰۹۳	سطح تحصیلات و انزوا
۰/۰۰۴	۰/۰۲۱	-	۰/۸۷۵	سطح تحصیلات و ضعف جسمانی
۰/۰۵۲	۰/۰۵	-	۰/۷۰۴	سطح تحصیلات و آسیب پذیری
-۰/۲۵۰*	-۰/۳۵۴*	-	۰/۰۳۵	سطح تحصیلات و بی قدرتی
-	-	-۰/۲۸۹*	۰/۰۲۶	وسعت اراضی و فقر
-	-	-۰/۵۰۱*	۰۰۰	وسعت اراضی و انزوا
-	-	۰/۰۲۳	۰/۸۶۳	وسعت اراضی و ضعف جسمانی
-	-	-۰/۴۲۵*	۰/۰۰۱	وسعت اراضی و آسیب پذیری
-	-	-۰/۰۲	۰/۸۲۲	وسعت اراضی و بی قدرتی

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی داری در سطح پنج درصد \*\* معنی داری در سطح یک درصد

۱- با توجه به نتایج به دست آمده، متغیرهای سن، سابقه کشاورزی و اندازه خانوار با مفاهیم موجود در تله محرومیت هیچ گونه ارتباط معنی دار ندارند (جدول ۴). همچنین، بنا بر نتایج جدول ۱۱، مشاهده می شود که هیچ گونه ارتباط معنی دار بین این سه متغیر مستقل با متغیر تله محرومیت به دست نیامده است. بنابراین، فرضیه «معنی دار نبودن رابطه سن، سابقه کشاورزی و اندازه خانوار با مفاهیم تله فقر و متغیر تله محرومیت» پذیرفته می شود. بین سابقه کشت برنج و متغیر ضعف جسمانی و بی قدرتی رابطه معنی دار مشاهده شد. سطح معنی داری و ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیر مستقل سابقه کاشت برنج و متغیر وابسته ضعف جسمانی، به ترتیب، ۰/۰۰۴ و ۰/۳۶۵ است. همچنین، سطح معنی داری و ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیر مستقل سابقه کاشت برنج و متغیر وابسته بی قدرتی، به ترتیب، ۰/۲۸۷ و ۰/۰۱۵ مشاهده شد. بنابراین، فرض مبتنی بر «عدم وجود رابطه بین سابقه کاشت برنج و وجود تله محرومیت» رد می شود؛ همچنین، نتایج جدول ۱۱ دال بر تأیید رد این فرضیه است. با توجه به اینکه درآمد اکثر افراد نمونه مورد مطالعه از محصول برنج تأمین می شود، می توان نتایج به دست آمده را قابل قبول دانست.

۲- با توجه به نتایج جدول ۴ مشخص شد که سطح تحصیلات با فقر و بی قدرتی رابطه ای معنی دار و منفی دارد؛ یعنی، با بالا رفتن سطح تحصیلات، فقر و بی قدرتی کاهش می یابد. سطح معنی داری اسپیرمن و ضریب کندال برای آزمون همبستگی بین متغیر سطح تحصیلات و متغیرهای فقر و بی قدرتی، به ترتیب، ۰/۰۴۹ و ۰/۲۰۱، و ۰/۰۳۵ و ۰/۲۵۰- است. به طور کلی، با توجه به نتایج جدول ۱۱، ارتباط معنی دار بین سطح تحصیلات و متغیر تله محرومیت دیده نمی شود. بنابراین، می توان گفت که فرض دال بر معنی داری ارتباط بین میزان سطح تحصیلات هر بهره بردار و تله محرومیت (فقر) رد می شود.

۳- نتایج جدول ۴ مشخص می کند که رابطه ای معنی دار بین وسعت اراضی و ضعف جسمانی و بی قدرتی وجود ندارد و فرض مبتنی بر وجود ارتباط معنی دار بین

وسعت اراضی و ضعف جسمانی و بی‌قدرتی رد می‌شود. ولی فرض تأثیر وسعت اراضی بر آسیب‌پذیری، فقر و انزوا تأیید شده و قابل قبول است. سطح معنی‌داری و ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه وسعت اراضی با فقر، انزوا و آسیب‌پذیری، به ترتیب، ۰/۰۲۶، ۰/۲۸۹- و ۰/۰۰۰، ۰/۵۰۱- و ۰/۰۰۱ و ۰/۴۲۵- است. به‌طور کلی، همان‌طور که در جدول ۱۱ مشخص شده است، هیچ‌گونه ارتباط معنی‌دار بین متغیر وسعت اراضی و تله محرومیت وجود ندارد. بنابراین، فرض دال بر معنی‌دار بودن ارتباط بین میزان اراضی تحت تملک هر بهره‌بردار و تله محرومیت (فقر) رد می‌شود. با توجه به اینکه زمین‌های دیم منطقه مورد مطالعه دارای پراکندگی زیاد و از لحاظ کشاورزی دارای بازدهی کم است، نمی‌توان گفت که افزایش سطح زمین بهره‌برداران تأثیری مستقیم و معنی‌دار بر کاهش فشار تله محرومیت دارد.

۴- با توجه به نتایج جدول ۵، فرض مبتنی بر وجود ارتباط معنی‌دار بین متغیر مستقل سطح زیر کشت برنج و متغیر وابسته بی‌قدرتی رد می‌شود و ارتباط بین متغیر مستقل سطح زیر کشت برنج و متغیرهای فقر، انزوا، ضعف جسمانی، و آسیب‌پذیری تأیید می‌شود. سطح معنی‌داری ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل و متغیرهای فقر، انزوا، ضعف جسمانی، و آسیب‌پذیری، به ترتیب، ۰/۰۴۰ و ۰/۲۶۷-، ۰/۰۰۰ و ۰/۵۲۳-، ۰/۰۳۴- و ۰/۲۷۷، ۰/۰۰۱ و ۰/۴۱۰ است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ارتباط معنی‌دار و مثبت بین سطح زیر کشت برنج و آسیب‌پذیری وجود دارد. با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های اصلی تعیین‌کننده آسیب‌پذیری هر منطقه میزان آفت‌زدگی محصولات کشاورزی و باغی است، می‌توان گفت که با بالا رفتن سطح زیر کشت برنج، با توجه به کاشت سنتی برنج در صد درصد منطقه، میزان خسارت ناشی از آفات محصول برنج نیز افزایش می‌یابد و به تبع آن، میزان آسیب‌پذیری نیز بالا می‌رود. با توجه به نتایج جدول ۱۱، بین متغیر سطح زیر کشت برنج و متغیر وابسته تله محرومیت در سطح یک درصد رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. بنابراین، فرض مبنی بر وجود ارتباط معنی‌دار و منفی بین سطح زیر



- کشت برنج و تله محرومیت به اثبات می‌رسد. می‌توان گفت که با افزایش منطقی سطح زیر کشت برنج در منطقه، می‌توان شاهد کاهش فشار ناشی از تله فقر بود.
- ۵- نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که بین دورافتادگی منطقه و متغیرهای فقر و انزوا رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد و فرض مبنی بر این ارتباط رد می‌شود. ولی همان‌طور که در جدول ۵ آمده است، ارتباط معنی‌دار و مثبت بین متغیر دورافتادگی منطقه و متغیرهای ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی وجود دارد. بنابراین، فرض دال بر معنی‌دار بودن ارتباط بین دورافتادگی منطقه و متغیرهای ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی به اثبات می‌رسد. سطح معنی‌داری و ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل دورافتادگی منطقه و متغیرهای ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، و بی‌قدرتی، به ترتیب،  $0/000$  و  $0/559$ ،  $0/000$  و  $0/563$ ، و  $0/000$  و  $0/522$  است. همچنین، با توجه به نتایج جدول ۱۱، می‌توان نتیجه گرفت که بین دورافتادگی منطقه با تله محرومیت در سطح یک درصد ارتباط معنی‌دار و مثبت وجود دارد و فرضیه ارتباط بین آن دو به اثبات می‌رسد.
- ۶- برای بررسی ارتباط معنی‌داری بین متغیر مستقل نظام‌های بهره‌برداری و مفاهیم موجود در تله محرومیت، از آزمون F استفاده شد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که فرض وجود ارتباط معنی‌دار بین متغیر نظام بهره‌برداری و متغیرهای فقر، انزوا، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، و بی‌قدرتی مورد تأیید است. برای پی بردن به اینکه کدام گروه بیشترین تأثیر را بر متغیرهای وابسته دارند، از آزمون LSD<sup>(v)</sup> استفاده شد. همان‌گونه که در جداول ۶ تا ۱۰ مشاهده می‌شود، نظام‌های بهره‌برداری ملکی-اجاره‌ای و سهم‌بری، ملکی و اجاره‌ای-ملکی و سهم‌بری، اجاره‌ای و اجاره‌ای، اجاره‌ای-اجاره‌ای و سهم‌بری و ملکی-اجاره‌ای و سهم‌بری بیشترین مقدار اثرگذاری را بر مفاهیم موجود در تله محرومیت دارند. همچنین، بر اساس نتایج جدول ۱۲، بین نظام بهره‌برداری و تله محرومیت ارتباط معنی‌دار وجود دارد. همچنین، با استفاده از آزمون LSD مشخص شد که بیشترین مقدار اثر مربوط به نظام بهره‌برداری

اجاره‌ای- ملکی و اجاره‌ای و کمترین مقدار اثر مربوط به نظام بهره‌برداری ملکی- ملکی و سهم‌بری است.

بر اساس نتایج جدول ۱۱، درآمد جانبی خانوار و درآمد حاصل از تولید برنج هیچ‌گونه ارتباط معنی‌دار با تله محرومیت ندارند، ولی تعداد قطعات در سطح یک درصد دارای ارتباط معنی‌دار و مثبت با تله محرومیت است.

جدول ۵- آزمون همبستگی بین سطح زیر کشت برنج، دورافتادگی و نظام بهره‌برداری با مفاهیم وابسته

متغیرها	معنی‌داری	آزمون پیرسون	F
سطح زیرکشت برنج و فقر	۰/۰۴۰	-۰/۲۶۷*	-
سطح زیرکشت برنج و انزوا	۰۰۰	-۰/۵۲۳**	-
سطح زیرکشت برنج و ضعف جسمانی	۰/۰۳۴	-۰/۲۷۷*	-
سطح زیرکشت برنج و آسیب‌پذیری	۰/۰۰۱	۰/۴۱۰**	-
سطح زیرکشت برنج و بی‌قدرتی	۰/۱۴۶	۰/۱۹۲	-
دورافتادگی و فقر	۰/۱۴۵	۰/۱۹۲	-
دورافتادگی و انزوا	۰/۶۱۰	-۰/۰۶۸	-
دورافتادگی و ضعف جسمانی	۰/۰۰۰	۰/۵۵۹**	-
دورافتادگی و آسیب‌پذیری	۰/۰۰۰	۰/۵۶۳*	-
دورافتادگی و بی‌قدرتی	۰/۰۰۰	۰/۵۲۲**	-
نظام بهره‌برداری و فقر	۰/۰۰۰	-	۳۱/۳۷**
نظام بهره‌برداری و انزوا	۰/۰۱۵	-	۳/۳۸**
نظام بهره‌برداری و ضعف جسمانی	۰/۰۰۶	-	۴/۰۲۷**
نظام بهره‌برداری و آسیب‌پذیری	۰/۰۰۵	-	۴/۲۱۵**
نظام بهره‌برداری و بی‌قدرتی	۰/۰۰۰	-	۱۱۹۶/۰۰۷**

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد \*\* معنی‌داری در سطح یک درصد

جدول ۶- مقایسه فقر با نظام بهره‌برداری با استفاده از آزمون LSD

نظام بهره‌برداری	نظام بهره‌برداری ۲	تفاضل میانگین	خطای معیار	سطح معنی‌داری
	اجاره‌ای	۰/۲۲۹۶*	۰/۰۵۴۸	۰/۰۰۰
ملکی	ملکی و سهم‌بری	۰/۱۹۹۸*	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰
	ملکی و اجاره‌ای	۰/۲۶۹۸*	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۶۸۲۸*	۰/۰۵۴۸	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد

جدول ۷- مقایسه انزوا با نظام بهره‌برداری با استفاده از آزمون LSD

نظام بهره‌برداری	نظام بهره‌برداری ۲	تفاضل میانگین	خطای معیار	سطح معنی‌داری
ملکی	ملکی و سهم‌بری	-۰/۱۵۷*	۰/۰۵۷	۰/۰۰۸
ملکی و سهم‌بری	ملکی و اجاره‌ای	۰/۲۶۶۴*	۰/۰۷۴	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد

جدول ۸- مقایسه ضعف جسمانی با نظام بهره‌برداری با استفاده از آزمون LSD

نظام بهره‌برداری	نظام بهره‌برداری ۲	تفاضل میانگین	خطای معیار	سطح معنی‌داری
ملکی	ملکی و سهم‌بری	۰/۳۶۶۷*	۰/۱۳۱۵	۰/۰۰۷
	ملکی و اجاره‌ای	۰/۳۶۶۴*	۰/۱۳۱۵	۰/۰۰۶
اجاره‌ای	ملکی و سهم‌بری	۰/۶۰۲*	۰/۲۵۷	۰/۰۲۳
	ملکی و اجاره‌ای	۰/۶۱۲*	۰/۲۵۷	۰/۰۲۱

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد

جدول ۹- مقایسه آسیب‌پذیری با نظام بهره‌برداری با استفاده از آزمون LSD

نظام بهره‌برداری	نظام بهره‌برداری ۲	تفاضل میانگین	خطای معیار	سطح معنی‌داری
ملکی	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۲۲۶*	۰/۰۶۹	۰/۰۰۲
اجاره‌ای	ملکی و سهم‌بری	۰/۱۸۱*	۰/۰۷۷	۰/۰۲۲
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۳۳۱*	۰/۰۹۶	۰/۰۰۱
ملکی و اجاره‌ای	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۱۹۴*	۰/۰۷۷	۰/۰۱۵

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد

جدول ۱۰- مقایسه بی قدرتی با نظام بهره‌برداری با استفاده از آزمون LSD

نظام بهره‌برداری	نظام بهره‌برداری ۲	تفاضل میانگین	خطای معیار	سطح معنی‌داری
	اجاره‌ای	۰/۰۳۲*	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸
ملکی	ملکی و سهم‌بری	۰/۲۸۱*	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
	ملکی و اجاره‌ای	۰/۳۵۲*	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۴۲۲*	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰
	ملکی و سهم‌بری	۰/۲۴۸*	۰/۰۱۳۲	۰/۰۰۰
اجاره‌ای	ملکی و اجاره‌ای	۰/۳۲*	۰/۰۱۳۲	۰/۰۰۰
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۳۸۹*	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰
ملکی و سهم‌بری	ملکی و اجاره‌ای	۰/۰۷۱*	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۱۴*	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰
ملکی و اجاره‌ای	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۰۶۷*	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد

جدول ۱۱- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل با تله محرومیت

F	آزمون اسپیرمن	آزمون پیرسون	معنی‌داری	متغیرها
-	-	۰/۰۷۴	۰/۵۸۰	سن و تله محرومیت
-	-	۰/۱۰۸	۰/۴۱۶	سابقه کشاورزی و تله محرومیت
-	-	۰/۳۲۶*	۰/۰۱۲	سابقه برنج‌کاری و تله محرومیت
-	-	۰/۱۰۲	۰/۴۴۲	اندازه خانوار و تله محرومیت
-	۰/۱۰۴	-	۰/۴۳۲	سطح تحصیلات و تله محرومیت
-	-	-۰/۰۲۰	۰/۸۸۲	وسعت اراضی و تله محرومیت
-	-	-۰/۳۳۰**	۰/۰۱	سطح زیرکشت برنج و تله محرومیت
-	-	۰/۶۲۶**	۰/۰۰۰	دور افتادگی و تله محرومیت
۱۸/۲۰۴**	-	-	۰/۰۰۰	نظام بهره‌برداری و تله محرومیت
-	-	۰/۱۲۱	۰/۳۶۲	درآمد جانبی خانوار و تله محرومیت
-	-	-۰/۳۱۲	۰/۰۱۷	درآمد حاصل از تولید برنج و تله محرومیت
-	-	۰/۶۲۶**	۰/۰۰۳	تعداد قطعات و تله محرومیت

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد \*\* معنی‌داری در سطح یک درصد

جدول ۱۲- مقایسه تله محرومیت با نظام بهره‌برداری با استفاده از آزمون LSD

نظام بهره‌برداری	نظام بهره‌برداری ۲	تفاضل میانگین	خطای معیار	سطح معنی‌داری
ملکی	ملکی و سهم‌بری	۰/۱۵۳*	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
	ملکی و اجاره‌ای	۰/۲۲۸*	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۲۲*	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰
	ملکی و سهم‌بری	۰/۱۵۶*	۰/۰۶۳	۰/۰۱۷
اجاره‌ای	ملکی و اجاره‌ای	۰/۲۳۱*	۰/۰۶۳	۰/۰۱
	اجاره‌ای و سهم‌بری	۰/۲۲۳*	۰/۰۷۹	۰/۰۷

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد

#### تجزیه و تحلیل در ارتباط با مجموع فرضیات

به‌منظور سنجش تأثیر مجموع متغیرها بر همدیگر و در نهایت، اثبات یا رد مدل نظری تحقیق، از رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شد. در مدل مورد استفاده مطالع حاضر، به‌علت اینکه پنج عامل به‌طور دوطرفه بر هم اثر مستقیم می‌گذارند، برای استفاده از تحلیل مسیر، هر کدام از این پنج عامل تک به تک وابسته فرض شدند و اثر چهار عامل دیگر بر عامل وابسته محاسبه شد. در جدول ۱۳ نتایج رگرسیون چندمتغیره برای شناسایی عوامل مؤثر بر میزان وجود تله محرومیت در منطقه آمده است.

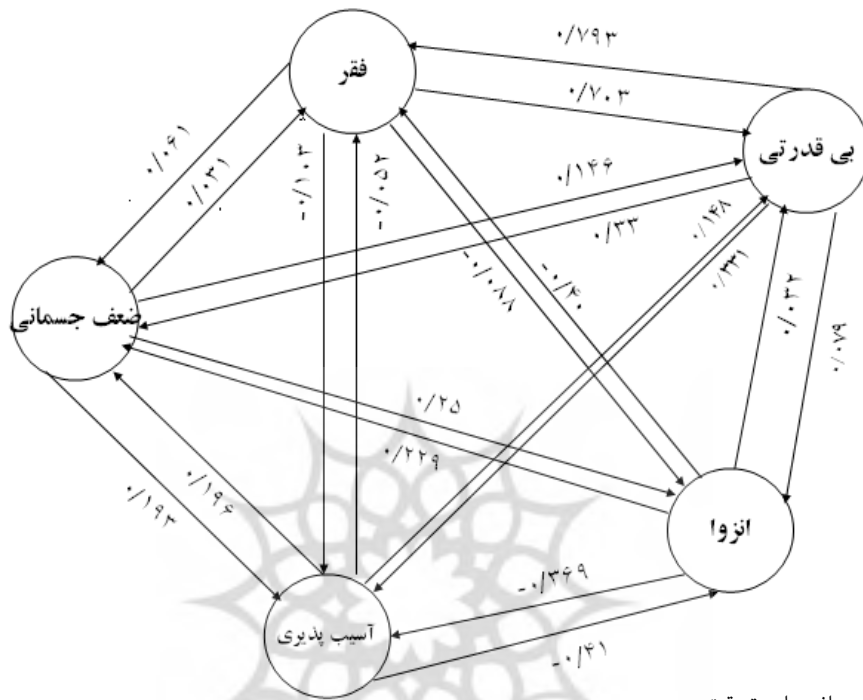
جدول ۱۳- رگرسیون چندمتغیره برای شناسایی عوامل مؤثر بر میزان وجود تله محرومیت

متغیر وابسته	F	معنی‌داری	R	R <sup>۲</sup>	df
بی‌قدرتی	۲۷/۵۴	۰/۰۰۰	۰/۸۱۹**	۰/۶۷	۴
آسیب‌پذیری	۵/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۵۲۵**	۰/۲۷۶	۴
ضعف جسمانی	۴/۲۲	۰/۰۰۵	۰/۴۸۸*	۰/۲۳۸	۴
انزوا	۳/۱۶۷	۰/۰۲۱	۰/۴۳۶*	۰/۱۹۰	۴
فقر	۲۲/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۷۹۳**	۰/۶۲۹	۴

منبع: یافته‌های تحقیق \* معنی‌داری در سطح پنج درصد \*\* معنی‌داری در سطح یک درصد

با توجه به نتایج جدول ۱۳، مقدار آماره فشر برای متغیرهای بی‌قدرتی، آسیب‌پذیری و فقر در سطح ۹۹ درصد اطمینان کاملاً معنی‌دار بوده، نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل وارد شده در معادله و متغیر وابسته رابطه‌ای کاملاً معنی‌دار وجود دارد. بیشترین مقدار ضریب همبستگی رگرسیون ۰/۸۱۹ و ۰/۷۹۳، به ترتیب، مربوط به عوامل بی‌قدرتی و فقر است که بیانگر همبستگی بسیار قوی مجموعه متغیرهای مستقل با این دو متغیر وابسته در تله فقر است. همچنین، مقدار ضریب تبیین ( $R^2=0/670$ ) و ( $R^2=0/629$ ) مربوط به دو عامل یاد شده بیانگر میزان بالای واریانس متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود. اصولاً در مطالعات علوم اجتماعی (کلانتری، ۱۳۸۷)، به دلیل وسعت عوامل تأثیرگذار در نظام، مقدار  $R^2$  پایین است و شناسایی و تبیین همه عوامل در یک تحقیق را بسیار دشوار می‌کند. شایان یادآوری است که عوامل فقر و بی‌قدرتی در میان عوامل دیگر موجود در تله فقر بیشترین تأثیر را دارند و باعث افزایش فشار تله محرومیت در منطقه می‌شوند.

با توجه به نتایج جدول ۱۳، عامل انزوا کمترین مقدار ضریب همبستگی رگرسیون یعنی،  $R=0/436$  را داراست که بیانگر همبستگی ضعیف مجموعه متغیرهای مستقل با این متغیر وابسته در تله فقر است. همچنین، مقدار ضریب تبیین  $R^2=0/190$  برای عامل انزوا به دست آمد. از دلایل پایین بودن مقدار ضریب همبستگی متغیر انزوا، با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵، دو شاخص اصلی پدیدآورنده متغیر انزوا یعنی، دورافتادگی از مراکز خدمات‌رسانی و سطح سواد در خانوار، ضعیف بودن اثر آن دو عامل در منطقه و معنی‌دار نبودن تأثیر آنها بر انزواست؛ و اثر کم متغیر وابسته انزوا بر مدل قابل قبول است. همان‌طور که از شکل ۱ برمی‌آید، انزوا با سایر متغیرهای موجود در تله محرومیت رابطه معنی‌دار قوی ندارد. نتایج ضرایب رگرسیون برای متغیرهای مستقل وارد شده در مدل مثبت و معنی‌دار بوده، نشان می‌دهد که این متغیرها بر تله محرومیت تأثیر مثبت دارند. هر کدام از متغیرهای مستقل وارد شده در مدل ارتباط‌هایی چندگانه با متغیرهای مستقل دیگر مدل دارند؛ از طریق رگرسیون چندمتغیره، میزان تأثیر این ارتباط‌های چندگانه مورد بررسی قرار گرفت، که میزان این‌گونه تأثیرات در شکل ۱ نشان داده شده است.



منبع: یافته‌های تحقیق

شکل ۱- تحلیل مسیر برای نشان دادن میزان تأثیر هر کدام از عوامل بر یکدیگر

### نتیجه‌گیری

۱- افزایش بی‌قدرتی رابطه مثبت با نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به دولت دارد و این نتیجه نشان می‌دهد که کشاورزان معتقدند بهبود و اصلاح جامعه روستایی و تأمین نهاده‌های کشاورزی مربوط به وظایف دولت است، نه خود روستاییان. با توجه به مطالب گفته‌شده، مفهوم بی‌قدرتی در منطقه وجود دارد و با افزایش فاصله روستا از مراکز خدمات‌رسانی به روستاییان، میزان بی‌قدرتی نیز افزایش می‌یابد که یکی از این‌گونه مراکز نیز مراکز خدمات کشاورزی است و به علت فاصله زیاد روستاها با این مراکز، روستاییان از استفاده از راهنمایی‌های ترویجی، مبارزه به‌موقع با آفات، استفاده نکردن از بذور اصلاح‌شده و مواردی از این دست منصرف می‌شوند. با

توجه به اینکه سرمایه‌گذاری دولت در بخش عمرانی روستاها (راه‌سازی) نقشی مستقیم در از بین بردن دورافتادگی روستاها دارد، همان‌طور که مشاهده شد، بین دورافتادگی و تله فقر رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد؛ این نتایج با نتایج به‌دست آمده از مطالعات فن و همکاران (Fan et al., 2000)، فن و همکاران (Fan et al., 2003)، و ترکمانی و جمالی مقدم (۱۳۸۴) مطابقت دارد.

۲- با توجه به تأثیر بالای مفهوم فقر در مدل مورد مطالعه و با بررسی شاخص‌های تشکیل‌دهنده عامل فقر (تولید محصول و درآمد خانوار)، مشخص شد که پایین بودن میزان تولید در واحد هکتار از مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده مفهوم فقر در منطقه است. میزان تولید در هکتار برنج تابعی از سطح زیر کشت و نوع نظام بهره‌برداری است. با توجه به نتایج جداول ۵ و ۱۱، که نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار نوع نظام بهره‌برداری و سطح زیر کشت برنج با فقر و معنی‌دار نبودن درآمد حاصل از تولید برنج با فقر، می‌توان نتیجه گرفت که میزان تولید برنج در منطقه در سطح پایین قرار دارد و همچنین، اغلب بهره‌برداران بر روی زمین‌های ملکی کار نمی‌کنند (بی‌زمین بودن). بنابراین، وجود عامل فقر در منطقه تأیید می‌شود که با نتایج ازکیا (۱۳۸۱) و پقه و همکاران (۱۳۸۰) همخوانی دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش در این زمینه مؤید دیدگاه ایولاکوست درباره پایین بودن سطح بهره‌وری کشاورزی به‌عنوان یکی از عوامل فقر روستایی است (پقه و همکاران، ۱۳۸۰).

۳- آسیب‌پذیری یکی دیگر از مفاهیم موجود در تله محرومیت است که در مطالعه حاضر بررسی شد و همان‌طور که در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود، در سطح یک درصد، رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت با پدید آمدن تله محرومیت در منطقه دارد. با بررسی دقیق‌تر شاخص‌های درجه یک و دو این متغیر (جدول ۱)، مشخص شد که به‌طور متوسط ۴۳ درصد بهره‌برداران منطقه دچار آفت‌زدگی محصولات تولیدی هستند. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد (جدول ۵) که بین نوع نظام بهره‌برداری و آسیب‌پذیری رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد، بیانگر آنکه با افزایش



گروه بهره‌برداران بی‌زمین، آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد، که نتایج ازکیا (۱۳۸۱) و مک‌کولوچ و کالاندینو (McCulloch and Calandrino, 2003) را تأیید می‌کند.

۴- یکی دیگر از شاخص‌های درجه دو مفهوم آسیب‌پذیری شاخص استفاده از منابع دولتی برای تولید محصولات است (جدول ۱)؛ به‌طور متوسط، در نمونه مورد بررسی، حدود ۴۶ درصد از برنج‌کاران موفق به استفاده از منابع دولتی شده‌اند. نتایج آزمون همبستگی بین شاخص استفاده از منابع دولتی و متغیر آسیب‌پذیری رابطه معنی‌داری بالا و منفی را نشان داد. با افزایش استفاده از منابع دولتی، از جمله استفاده از آموزش‌های ترویجی که باعث بهبود در عملکرد، استفاده درست از منابع تولید، استفاده از بذور اصلاح‌شده و غیره می‌شود، می‌توان شاهد کاهش میزان متغیر آسیب‌پذیری بود. می‌توان گفت که از دلایل کمتر بودن ضریب تأثیر متغیر آسیب‌پذیری بر تله محرومیت (نسبت به سایر متغیرهای موجود در مدل) استفاده نسبتاً خوب بهره‌برداران از منابع دولتی به‌ویژه در زمینه آموزش‌های ترویجی است، که نتایج مطالعات ترکمانی و جمالی مقدم (۱۳۸۴)، فن و همکاران (Fan et al., 2000)، جین و همکاران (Jin et al., 2001)، و نجو و فوکس (Njue and Fox, 1993) نیز مؤید همین مطلب است.

۵- ضعف جسمانی چهارمین متغیر مؤثر مورد بررسی در مدل تله محرومیت (تله فقر) است و همان‌طور که از نتایج جدول ۱۳ برمی‌آید، دارای تأثیر نسبتاً پایین در پدید آمدن تله محرومیت در منطقه مورد مطالعه است (نسبت به دو متغیر فقر و بی‌قدرتی). با توجه به اینکه یکی از عوامل تأثیرگذار در پدید آمدن مفهوم آسیب‌پذیری میزان استفاده از امکانات بهداشتی است، نتایج نشان می‌دهد که حدود ۶۹ درصد خانوارهای مورد مطالعه به‌میزان زیادی از امکانات بهداشتی، به‌علت موجود بودن مرکز بهداشت در روستای محل زندگی‌شان، استفاده می‌کنند. همچنین، با توجه به پیشرفت علم در امور بهداشتی و افزایش میزان دستیابی روستاییان به خدمات بهداشتی، می‌توان گفت که وجود ضعف جسمانی در منطقه با درصد کمتری نسبت به متغیرهای فقر و بی‌قدرتی تأیید می‌شود.

۶- آخرین مفهوم مورد مطالعه در مدل تله محرومیت انزواست و همان‌طور که در جدول ۱۳ و شکل ۱ ملاحظه می‌شود، انزوا کمترین تأثیر را بر مدل تله محرومیت در نمونه مورد مطالعه دارد. با بررسی شاخص‌های درجه یک و دو مفهوم انزوا (جدول ۱)، مشخص شد که خانوارهای مورد مطالعه از سطح سواد نسبتاً بالا برخوردارند. همچنین، حدود ۶۰ درصد از بهره‌برداران مورد مطالعه از کلاس‌های ترویجی استفاده کرده‌اند؛ این عوامل باعث کاهش میزان انزوا در منطقه شده است. نتایج مطالعات فریر (Freire, 1970)، کید (Kidd, 1979) و کولب (Kolb, 1984) تأییدی بر نتایج به دست آمده در این بخش است (افزایش سطح سواد و آگاهی باعث افزایش مهارت عملی در فراگیران می‌شود). با توضیحات داده شده، می‌توان گفت که وجود مفهوم انزوا به معنی واقعی در منطقه تأیید نمی‌شود. بنابراین، با توجه به مفهوم واقعی مدل تله محرومیت، که تمامی پنج مفهوم پدیدآورنده به‌طور مستقیم و مثبت بر هم اثر می‌گذارند، این مفهوم به‌طور کامل در جامعه مورد نظر دیده نشده است و وجود تله محرومیت به معنی واقعی در مناطق برنج‌کاری استان ایلام رد می‌شود.

### پیشنهادها

- ۱- با توجه به ارتباط منفی بین فقر و آسیب‌پذیری، با افزایش سطح زیر کشت برنج در منطقه، می‌توان شاهد کاهش فقر بود؛ ولی به‌علت اینکه کشت در منطقه کاملاً سنتی است، با افزایش سطح زیر کشت، شاهد افزایش آفت‌زدگی محصول و افزایش آسیب‌پذیری در منطقه خواهیم بود که برای حل این مشکل، لازم است اداره ترویج و آموزش کشاورزی به معرفی بذور اصلاح‌شده و مقاوم به آفت منطقه اقدام کند و همچنین، با تشکیل کلاس‌های آموزشی (مربوط به کاشت، داشت و برداشت برنج)، سطح آگاهی کشاورزان را بالا برد.
- ۲- در پارادایم جدید توسعه روستایی، مردم هم نقش محوری در تحقق فرایند توسعه دارند و هم خود هدف توسعه‌اند. بر این اساس، توسعه روستایی فقط به معنی

افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه و ارائه خدمات اساسی از قبیل آموزش، بهداشت و در یک کلام، افزایش رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستایی نیست، بلکه مشارکت مردم در فرایند توسعه اجتماع محلی یعنی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا و نیز به‌کارگیری تجارب کنترل و بهره‌برداری از منابع محلی و بارورسازی آنها برای دستیابی به رفاه اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. این مشارکت مستلزم وجود قدرت پس‌انداز در بهره‌برداری‌های خانوادگی در اجتماعات روستایی و در نهایت، تحقق فرایند انباشت سرمایه در اقتصاد روستایی است.

۳- اعمال بیمه‌های از کارافتادگی و گسترش تأمین اجتماعی و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی برای بیکاران و از کارافتادگان مناطق روستایی باعث کاهش فقر در این گروه و نیز در ابعاد ملی خواهد شد.

۴- با توجه به قطعه‌قطعه بودن اراضی و رابطه مثبت آن با تله محرومیت و نیز وجود کشت سنتی در منطقه مورد مطالعه، لازم است دولت به موضوع اصلاح و یکپارچه‌سازی اراضی وقت و سرمایه‌گذاری بیشتری را اختصاص دهد.

۵- همچنین، لازم است دولت به‌جای دادن یارانه به نهاده‌های تولید، پرداخت یارانه‌ها را بیشتر به سمت خرید محصولات کشاورزی سوق دهد.

۶- با توجه به اینکه یکی از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و پایدار جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجراست، باید برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای جایگزین برنامه‌ریزی‌های ملی و «از بالا به پایین» شود، که البته با صرفه‌ترین و پایدارترین روش نیز به‌شمار می‌رود. همچنین، با توجه به رهیافت‌های جدید توسعه روستایی، که اغلب زیر عنوان «توسعه روستایی یکپارچه» مطرح می‌شوند و در آنها، بر افزایش درآمد روستاییان، کاهش فقر و نابرابری، و افزایش ارزش افزوده اقتصادی در بخش روستایی تأکید شده است، باید به تمامی جوانب توسعه روستایی تأکید شود.

## یادداشت‌ها

1. Stern
2. Palmer
3. Gaile
4. operational
5. operationalization
6. Kaiser-Meyer-Olkin
7. Least Significant Difference

## منابع

- ازکیا، م. (۱۳۸۱)، «فقر، آسیب‌پذیری و توسعه: مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار». *نامه علوم اجتماعی*، سال ۱۰، شماره ۲۰، صص ۲۹-۵۲.
- پقه، م.؛ ازکیا، م.؛ و رضوانفر، ا. (۱۳۸۰)، «تعیین‌کننده‌های اقتصادی فقر در مناطق روستایی کلاله». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۹، شماره ۳۴.
- ترکمانی، ج. و جمالی‌مقدم، ا. (۱۳۸۴)، «اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۵۳-۱۷۴.
- چمبرز، ر. (۱۳۷۷)، *توسعه روستایی، اولویت‌بخشی به فقرا*. ترجمه مصطفی ازکیا. تهران: دانشگاه تهران.
- خاتون‌آبادی، ا. (۱۳۸۴)، *جنبه‌هایی از توسعه پایدار*. اصفهان: جهاد دانشگاهی، واحد دانشگاه صنعتی اصفهان.
- زاهدی عبقری، ا. (۱۳۷۵)، «الگوهای توسعه و فقرزدایی». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۴، شماره ۱۵.
- زاهدی مازندرانی، م. (۱۳۸۴)، «توان پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرایند توسعه». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص ۲۷-۶۲.
- صداقت، ر. (۱۳۸۱)، «بررسی نظریه اقتصادی دور تسلسل فقر و توسعه‌نیافتگی در مناطق پسته‌کاری ایران». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱۸۷-۲۰۱.
- کلاتتری، خلیل (۱۳۸۷)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. تهران: فرهنگ صبا.
- کیم، ج. و مولر، ج. (۱۳۷۸)، *کاربرد تحلیل عاملی در پژوهش اجتماعی*. ترجمه م. کوثری. تهران: سلمان.

- وثوقی، م. و هاشمی، ع. (۱۳۸۳)، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران، مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر (چاه کوتاه، آبطلیل، تل اشکی)». *پژوهش‌نامه علوم انسانی (ویژه‌نامه جامعه‌شناسی)*، شماره ۴۱-۴۲، صص ۱۶۱-۱۸۶.
- یزدان‌پناه، ل. (۱۳۸۷)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۰۵-۱۳۰.
- Cavendish, W. (1999), *Empirical Regularities in the Poverty – Environment Relationship of Africa Rural Households*. London: Huxley School.
- Chambers, R. (1989), “Vulnerability and how the poor cope”. In: *IDS Bull*, Vol. 20, No. 2, pp. 1-7.
- Cochran, W. G. (1976), *Sampling Techniques*. John New York: Willey and Sons.
- Dixon, C. (1990), *Rural Development in the Third World*. London and New York: Routledge.
- Fan S.; Hazell, P.; and Thorat, S. (2000), “Government spending, growth and poverty in rural India”. *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 82, No. 4, pp. 1038-1051.
- Fan S.; Jistuchon, S.; and Methakunnavut, N. (2003), “Impact of public investment on poverty reduction in Thailand”. Available on: [www.adb.org/Documents/Reports/Assessing-Transport-Energy/chap6.pdf](http://www.adb.org/Documents/Reports/Assessing-Transport-Energy/chap6.pdf).
- Freire, P. (1970), *Pedagogy of the Oppressed*. New York: Herder & Herder.
- Jin, Songqing; Jikun, Huang; Ruifa, Hu; and Scott, D. Rozelle (2001), “The creation and spread of technology and total factor productivity in China’s agriculture”. Department of Agricultural and Resource Economics, UCD. Available on: <http://www.repositories.cdlib.org/cgi/viewcontent>.
- Khandhela, M. and May, J. (2006), “Poverty, vulnerability and the impact of flooding in the Impopo Province, South Africa”. *Natural Hazards*, Vol. 39, No. 2, pp. 275-287.

- Kidd, R. (1979), "Liberation or demonstration". *Educational Broadcasting International*, Vol. 12, No. 11, pp. 3-9.
- Kolb, D. (1984), *Experiential Learning: Experience As the Source of Learning and Development*. NY: Prentice Hall.
- McCulloch, N. and Calandrino, M. (2003), "Vulnerability and chronic poverty in rural Sichuan". *World Development*, Vol. 31, No. 3, pp. 611-628.
- Njue, E. and Fox, G. (1993), *Productivity in Kenyan Agriculture: 1964-1989; Working Paper, No. 93*. Guelph: Department of Agricultural Economics and Business, University of Guelph.

